

برخی خصوصیات رهبر شهید



هانیه ملکی

شاکله‌ای سازگار در برابر «وحدت» و ناسازگار در مقابل هر عامل تفرقه‌افکن می‌سازد. اتحادمندی‌ای که باطل السحر هر وحشت‌افکنی خائنانه است.

رهبر شهیدمان در منظومه فکری خود «صلابت» را با «ظرافت» توأمان داشت. نوعاً، صلب فکری به ظرافت‌های فکر و اندیشه بی‌اعتناست و در مقابل نیز ظریف‌اندیشان اهل صلابت نیستند. امام شهیدمان در برابر دشمن و مقابله با هر نوع عامل مخل سلامت و پویایی جامعه، صلابت فکر و ذکر داشت و همراه با آن ظرافت‌ها، در مناسبات انسانی و اوضاع فکری و نگرشی مردم نجیب و شریف را به‌خوبی دریافت می‌کرد و به دیده رحمت و بخشش به آن‌ها می‌نگریست و عمل می‌کرد.

اهمیت دادن به علوم رفتاری ویژگی بارز دیگر رهبر شهیدمان بود. به‌خوبی می‌دانست که چنانچه ایران در عرصه علم‌ودانش پیشرفت قابل توجهی نکند و از مرزهای دانش عبور ننماید، برای همیشه پیرو غرب می‌ماند و نمی‌تواند به عزتی که دین مبین اسلام لذا در مواجهه با جامعه نخبگان و مسئولان دانشگاهی، ضرورت ترقی بنیادین علمی را متذکر می‌شد و با تولید واژگان و فضای فکری نوین، انگیزه اجتماعی حرکت‌آفرینی می‌آفرید. **توجه به قشر جوان** در منظومه فکری

دشمن زبون و ذلیل در میادین نبرد رهبر عزیز و شهیدمان را از ما گرفت و از جهت دنیوی بین امت و امام جدایی انداخت. خصم بی‌رحم، بی‌خبر از این است که شهادت، مرگ عادی نیست، بلکه مرگ سرخ است که برای همیشه تاریخ به خون‌خواهان تعلیم خون خواهد داد تا روحیه و اراده خود را برای گرفتن انتقام حفظ کنند و درنهایت یا آنان و یا اخلاف آنان به پیروزی موعود به دست امام امت امام عصر (عج) نائل شوند.

معاصرت ناشناخته ماند و یا اگر شناخته شد، به دلیل مانع هم‌زمان بودن، انوار بی‌بدیش به‌نحو شایسته درخشش نیافت. **ایران دوستی** و تلاش دائم برای استقلال ایران از جمله ویژگی‌های رهبر شهیدمان بود. به‌قدری ایران‌دوست بود که در دفاع همه‌جانبه از آن هیچ کوششی فروگذار نکرد و نهایتاً به دست دشمنان ضد ایران به شهادت رسید.

تأکید بر انسجام ملی از مختصات دیگر منظومه فکری امام شهیدمان بود که به‌طور تکراری احزاب و گروه‌های سیاسی را از دوقطبی‌شدن جامعه برحذر می‌داشت و از اتحاد مقدس سخن می‌گفت. کاربرد واژه «مقدس» در کنار واژه «اتحاد» ترکیب زیبایی ساخت که فهم عمیق معنای آن



وفهم راهبردهای تداوم جنگ

دههٔ عمر انقلاب اسلامی و به‌طور خاص در سال‌های رهبری امام شهید انجام پذیرفت. شش ویژگی مذکور از مختصات فکری رهبر شهید نمونه‌هایی هستند از ابعاد فکری و شخصیتی ایشان؛ هم او که در جنگ رمضان و در نخستین روز شروع جنگ سوم تحمیلی به شهادت رسید. فوز شهادت برای این رهبر کم‌نظیر، یک آرزو بود، ولی فقدان حیات دنیوی ایشان برای امت اسلامی اندوه بزرگی است که در ذهن و دل این مردم باقی می‌ماند. در مقابل، مردم بصیر و شریف ایران به‌خوبی دریافته‌اند، مطابق آرزو و آرمان رهبر شهید، باید با استقامت تمام به نبرد در جبههٔ آمریکایی - صهیونی، ادامه دهند و با حضور حماسی خود در خیابان‌ها، به سلحشوران میدان انگیزه بخشند و از آنان حمایت کنند. آنچه مسلم است نیروی اراده او قدرت ایمان باعث پیروزی است، نه نوین بودن سلاح‌ها. آنان که موشک‌ها را به قلب دشمن پرتاب می‌کنند، نیروی شکست‌ناپذیر اراده و ایمان را نیز همراه موشک برای خصم می‌فرستند. موشک‌های نیرو گرفته از ایمان به ناوهای ترس از ایمان غلبه خواهد کرد و بار دیگر شعار اصیل و ریشه‌ای پیروزی خون بر شمشیر را در میدان‌های جنگ به حرکت درخواهند آورد و عاشورای دیگری خلق خواهند کرد.

رهبر شهید درخشش داشت. همیشه جوانان را منبع و عامل امید و آرمان‌گرایی در راستای تمدن‌سازی معرفی و در نشست‌های گوناگون با آنان گفت‌وگو می‌کردند. اکنون هم در جامعهٔ مبعوث‌شده می‌بینیم که جوانان چه باشکوه و حماسی می‌درخشند.

به خانوادهٔ معظم شهدا ارج می‌نهاد و با احترام خاص با آنان مواجه می‌شد و رفتار می‌کرد. در نگرش رهبر شهیدمان، شهید و شهادت در حدی بود که بهترین دعایشان در حق اصحاب و یاران، طلب شهادت برای آنان بود. این طلب و دعا برای کسانی قابل فهم و اعتبار است که حقیقت شهادت را درک کرده باشند و زندگی را در قفس محدود دنیا خلاصه نکنند. خانواده‌های معظم شهدا کسانی بودند که با تربیت حسینی، فرزندان حماسه‌آفرین و شهادت‌طلب پرورش می‌دهند.

یک عمر تلاش برای استقرار نظام اسلامی و مبارزهٔ بی‌امان با خائنان و معاندین با نظام اسلامی، ویژگی دیگری از منظومهٔ فکری رهبر شهیدمان است. با انقلاب اسلامی ایران و با رهبری کم‌نظیر امام راحل (ره) انقلاب پیروز شد، ولی تحکیم و تقویت آن پس از رحلت امام راحل (ره)، با رهبری حکیمانه و توأم با قاطعیت رهبر شهیدمان تحقق یافت. نظام‌سازی‌های متناسب با جهت‌گیری و اهداف نظام اسلامی در چهار